

متن پرسش

سلام علیکم و رحمة الله خدمت استاد محترم بنده همان فردی هستم که سوال ۵۶۰۶ را در مورد تعدد زوجات از شما پرسیده بودم. فرد دیگری که احتمال زیاد باید خانم باشند در سوالی به شماره ۵۶۳۵ از شما پرسیده اند؛ که به عرایض بنده انتقاداتی داشته اند. خواهش می‌کنم هم این مطلب بنده را منتشر بفرمائید هم اگر نظری شخص خودتان در این زمینه دارید بفرمائید. ایشان گفته اند: «باید عرض شود که اولاً ایشان هیچ دلیلی اقامه نکردند که مخالفت زنان با زن دوم ریشه‌ی حسادت دارد و فقط نظر خودشان را گفتند، لذا ما هم می‌توانیم مثلاً بگوییم چون مردان تنگ نظر هستند نمی‌توانند ببینند زنشان از مرد دیگری تعریف می‌کند.» خب ظاهراً یا ایشان متن بنده را دقیق و کامل مطالعه نکرده اند؛ یا حدیث معصومین(ع) را جزء ادله نمی‌دانند که گفته اند هیچ دلیلی اقامه نکرده‌ام. بنده ادعا نکرده‌ام که مخالفت زنان حسادت است؛ بلکه ائمه(ع) معصومین هستند که می‌فرمایند این امر حسادت است. مجدداً احادیث مربوطه را اما این بار با ترجمه می‌گذارم تا هم ایشان هم سایرین بیشتر دقت بفرمایند: **بَابُ غَيْرَةِ النِّسَاءِ ۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَيْسَ الْغَيْرَةُ إِلَّا لِلرِّجَالِ وَ أَمَّا النِّسَاءُ فَإِنَّمَا ذَلِكَ مِنْهُنَّ حَسَدٌ وَ الْغَيْرَةُ لِلرِّجَالِ وَ لِذَلِكَ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَى النِّسَاءِ إِلَّا زَوْجَهَا وَ أَحَلَ لِلرِّجَالِ أَرْبَعًا وَ إِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ أَنْ يَبْتَلِيَهُنَّ بِالْغَيْرَةِ وَ يُحِلَّ لِلرِّجَالِ مَعَهَا ثَلَاثًا.** امام صادق علیه السلام می‌فرماید: غیرت ورزی روا نیست مگر برای مردان. و اما غیرت زنان در حقیقت حسادت است. و چون غیرت تنها مخصوص مردان است به همین دلیل خداوند بر زنان جز شوهرشان را حرام کرده است ولی بر مردان چهار زن را حلال نموده است. و خداوند کریم تر از آن است که از سویی به زن غیرت بدهد و از سوی دیگر برای مرد سه زن دیگر را علاوه بر آن زن حلال کند! **۲- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ سَعْدِ بْنِ الْجَلَابِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الْغَيْرَةَ لِلنِّسَاءِ وَ إِنَّمَا تَعَارُ الْمُنْكَرَاتُ مِنْهُنَّ فَأَمَّا الْمُؤْمِنَاتُ فَلَا إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ الْغَيْرَةَ لِلرِّجَالِ لِأَنَّهُ أَحَلَ لِلرِّجَالِ أَرْبَعًا وَ مَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ وَ لَمْ يَجْعَلِ لِلْمَرْأَةِ إِلَّا زَوْجَهَا فَإِذَا أَرَادَتْ مَعَهُ غَيْرَهُ كَانَتْ عِنْدَ اللَّهِ زَانِيَةً.** امام صادق (ع) فرمود: خدای بلند مرتبه غیرت را در وجود زنان قرار نداد. و تنها زنان نا شایست غیرت می‌ورزند ولی زنان مومنه [حقیقی] نه! همانا خداوند غیرت را تنها در مردان قرار داد از اینرو برای مرد چهار زن را حلال فرمود ولی برای زن جز شوهرش را حلال نکرد. پس زنی که علاوه بر شوهرش مرد دیگری را اراده کند نزد خداوند زناکار است. **قَالَ وَ- رَوَاهُ الْقَاسِمُ بْنُ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِلَّا أَنَّهُ قَالَ فَإِنْ بَعَثَ مَعَهُ غَيْرَهُ ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ جَمِيعًا عَنِ**

ابن ابی عمیر عن عبد الرحمن بن الحجاج رفعه قال: بينا رسول الله ص قاعد إذ جاءت امرأة عزيانته حتى قامت بين يديه فقالت يا رسول الله إني فجزت فطهرني قال و جاء رجل يعذو في أثرها و ألقى عليها ثوباً فقال ما هي منك فقال صاحبتي يا رسول الله خلوت بجاريتي فصنعت ما ترى فقال ضمها إليك ثم قال إن الغيراء لا تبصر أعلى الوادي من أسفله. روزی حضرت رسول صلوات الله عليه و آله نشسته بودند که زنی عریان نزد ایشان آمد و ایستاد! و گفت ای رسول خدا من مرتکب فجور شدم پس مرا پاک گردان! (بر من حد جاری ساز). در اینحال مردی از راه رسید و لباسی بر بدن آن زن افکند. حضرت پرسید با این زن چه نسبتی داری؟ مرد گفت: او همسر من است ای رسول خدا! من امروز با کنیز خود خلوت کرده بودم [که او دید] و [برای انتقام از من] مرتکب زنا شد!! حضرت فرمود: او را به خانه بازگردان! سپس فرمود: زنی که غیرت می ورزد بالای بیابان را از پایین آن تشخیص نمی دهد. ۴- عده من أصحابنا عن أحمد بن أبي عبد الله عن محمد بن الحسن عن يوسف بن حماد عمّن ذكره عن جابر قال قال أبو جعفر ع [غيره النساء الحسد و الحسد هو أصل الكفر إن النساء إذا غرن غضبن و إذا غضبن كفرن إلا المسلمات منهن]. امام باقر علیه السلام فرمود: غیرت زنان حسد است و حسد ریشه کفر است. زنان وقتی غیرت می ورزند خشمگین می شوند و وقتی خشمگین شدند کفران می ورزند مگر زنان مسلمه! ۵- عنه عن أبيه عن محمد بن سنان عن خالد القلاني قال: ذكر رجل لأبي عبد الله ع امرأته فأحسن عليها الثناء فقال له أبو عبد الله ع أعزتها قال لا قال فأغزها فأغارها فثبتت فقال لأبي عبد الله ع إني قد أعزتها فثبتت فقال هي كما تقول. مردی نزد امام صادق علیه السلام از زن خود بسیار تعریف و تمجید کرد. حضرت فرمود: تا به حال غیرت او را آزموده ای؟ مرد گفت: نه! حضرت فرمود غیرتش را بیازما! پس آن مرد چنین کرد و زنش هم ثابت قدم ماند. [و حسادت نورزید]. خبر را به امام داد و حضرت فرمود: زن تو حقیقتاً همانگونه است که تعریف کردی! [چون حسود نیست و چشم دیدن هوو و یا سایر شریکهای جنسی حلال شوهرش را دارد]. حال هم فردی که سوال ۵۶۳۵ را پرسیده بودند؛ هم سایر خوانندگان توجه بفرمایند که این بیانات ائمه(ع) ما است که ریشه در وحی و علم لدنی آنان دارد. در روایت اول و دوم صراحتاً فرموده خدا غیرت را در زنان قرار نداده است و فرموده خدا کریمتر از آن است که غیرت به زن بدهد اما بر مرد نیز تا ۴ زن را حلال کند. همچنین در روایت ۱ و ۵ صرحتاً فرموده این مخالفت حسد است نه غیرت. ایشان فرموده اند: «درحالی که "نگاه" مهم است، با نگاه زمان شناسانه به زعم آن خانوم، به این منابع ممکن است نتایج دیگری گرفته شود. ایشان هم نگفتند که باید منابع فقه را تغییر داد، می گویند باید با نگاه زمان شناسانه به این منابع نظر کرد.» خب شما اگر بیشتر از تمامی مراجع و فقهای از گذشته تا کنون می دانید خب بفرمائید ببینیم چطور میخواهید از آیات و روایات مطلبی را استخراج بفرمائید که تاکنون هیچ فقیه و مرجعی همچین مطلبی استخراج نکرده است. ببینید برخی مسائل در فقه است که بین تمامی فقها حالت اجماع دارد و به مرتبه ضروری مذهب میرسد. این بحث حلال بودن تعدد زوجات بدون هیچ شرط خاصی نیز اینگونه است. هیچ فقیه و مرجعی نگفته مثلاً با اجازه حاکم شرع باشد یا با رضایت زن اول باشد یا سایر شرایط. تنها

شرطی که برای تعدد زوجات لازم است یکی این است که بتواند نفقه همه زن ها را بدهم و دوم رعایت حق هم خوابگی. حالا بماند که برخی فقها تعدد زوجات را نه تنها جائز بلکه مستحب می دانند که در سوال قبلی نیز موجود بود اما مجدداً تکرار می کنم. فقیه بزرگ و نامی صاحب عروه که فرموده اند: «الاستحباب لایزول بالواحدة بل التعدد مستحب أيضاً؛ استحباب ازدواج، با نکاح یک همسر، رفع نمی شود بلکه نکاح همسرانی دیگر نیز مستحب است» (العروة الوثقی، کتاب النکاح، م ۲) ایشان در ادامه فرموده اند: «در سوال ۵۵۷۹ در مورد زمانه ی امروز بحث شده نه کل تاریخ که آقای سوال ۵۶۰۶ فرمودن ایشان به نواب خاص و فقهای کل تاریخ لعن کرده اند!» اتفاقاً متن آن خانم گویای چیز دیگری بود. متن آن خانم این است: «خدا لعنت کند کسانی رو که بدون داشتن نگاه زمان شناسی، حکم به حلال بودن زن دوم می دهند.» این یعنی چه؟! آیا جز به معنی لعن کل فقهاء در طول تاریخ از گذشته تا امروز است؟! اما در مورد سایر موارد که فرموده اید ما گشتیم و شرایط اضطراری برای ازدواج مجدد پیدا نکردیم؛ اولاً که بفرض که هیچ شرایط خاصی نباشد؛ خب هیچ فقیه و مرجعی نگفته که ازدواج مجدد برای شرایط خاص است و گرنه مشکل دارد. حتی فتوا به کراهت ازدواج مجدد بدون دلیل نیز کسی نداده است چه رسد فتوا به حرمت. ثانیاً شما گشته اید پیدا نکرده اید. ممکن است افراد دیگری گشته باشند و پیدا کرده باشند. در مورد ازدیاد نسل ممکن است کسی دوست داشته باشد نسل خودش زیاد شود. خودش دوست داشته باشد صاحب اولاد کثیره شود. آنگاه چه می فرمائید؟! در ادامه سوال کننده فرموده اند: «اما اگر فقها با نگاه زمان شناسانه "مثلاً" این حکم ابتدایی را می دادند که " ازدواج مجدد حرام است مگر در شرایطی که شهوت به مردان غلبه کند و در این صورت با اجازه ی حاکم شرع ازدواج مجدد بلامانع است" و در صورت نیاز چند تبصره هم به آن اضافه می کردند. « خب اولاً پس حداقل شما تا اینجا پذیرفته اید که برای کسی که شهوتش زیاد است و همان یک زن کفافش را نمی دهد؛ ازدواج مجدد مشکلی ندارد. خب تا اینجا هم خوب است. چون برخی ها هستند که تا این حد هم نمی پذیرند. ثانیاً خب شهوت که قند و چربی نیست که با آزمایش بشود فهمید شهوت بر کسی غالب است یا خیر؟! مگر ما دستگاه شهوت سنج داریم که به افراد بزنییم بعد حکم صادر کنیم مثلاً هر کسی شهوتش از ۶۰ بیشتر بود اجازه دارد برود زن دوم بگیرد. شهوت یک امر شخصی است که فقط خود فرد می فهمد و لا غیر. ممکن است یک مرد ادعا کند من شهوتم بالا است و زنم کفاف مرا نمی دهد پس باید بروم زن دوم بگیرم. حالا دادگاه و حاکم شرع چطور میخواهد بفهمد واقعاً این حرف مرد درست است یا خیر؟! ثالثاً خوب این شرائط و تبصره ها را که الکی نمی شود به شرع اضافه کرد. باید مبتنی بر ادله متقن فقهی باشد. اگر بنا به این باشد به خیلی از مسائل دیگر می توان خیلی شرائط اضافه کرد. مثلاً می توان گفت اگر زنی خودش شاغل است یا وضع مالی خوبی دارد دیگر نفقه دادن به این خانم واجب نیست. و کلی مثال دیگر. در ادامه ایشان فرموده اند: «در این صورت دیگر شهوت رانی به اسم اسلام نمی شد. مردی که ازدواج مجدد می کرد برای خود و همسرش واضح بود که به خاطر شهوت رانی دست به این کار می زند. درحالی که شخصا موارد زیادی

در دوستان دیدم که به اسم اسلام و تکلیف شرعی، شهوت رانی می کنند و مشکلات زیادی را برای خود و خانواده و فرزندانشان ایجاد می نمایند.» این شهوترانی دقیقاً یعنی چه؟! آیا ارضای شهوت از طرق مشروع و حلال الهی بد است یا خوب؟! چرا اگر کسی زن اول را گرفت به او نمی گویند؛ شهوتران. اما اگر زن دوم و سوم و چهارم گرفت یا رفت متعه کرد می شود شهوتران؟!!!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمدالله این نوع تبادل نظرها در جای خود برکات زیادی دارد و چون موجب می شود عزیزان هرکدام با تفکر بیشتر در موضوعات نظر بدهند بنده نیز موافقم که این مباحث در معرض نگاه دوستان قرار گیرد ولی باز پیشنهادم آن است که بعد از این که طرفین حرف های همدیگر را شنیدیم، ادامه ی موضوع متوقف شود تا هرکس خودش فکر کند. چون حقیقتاً همان طور که قبلاً عرض کردم باید جوانب زیادی را مدّ نظر قرار داد از جمله هدف و افقی که روایات مدّ نظر دارند. به این معنا که سعی کنیم هدف امام معصوم را که تنها و تنها برای سعادت دنیا و آخرت ما است بفهمیم و جامعه ی خود را و روح و روان خود را نیز در راستای تحقق توصیه های امامان معصوم آماده و تربیت کنیم. مشکل آن است که ما هنوز نتوانسته ایم خود و جامعه را در راستای توصیه های امامان معصوم «علیهم السلام» تربیت کنیم همچنان که نتوانسته ایم عمیقاً اهداف عالی رهنمودهای معصومین «علیهم السلام» را با نگاه فقهی و فقهاتی درست تبیین نماییم وگرنه محال است سخنانی که دقیقاً مطابق فطرت انسانی است مورد بی محلی و انکار قرار گیرد. یا بد گفته ایم ، یا بد عمل کرده ایم. موفق باشید.